

## خوانش تطبیقی حقوق اقتصادی کودکان در نظام حقوقی ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی

مهدي ملائي • استادیار، گروه اقتصاد و حسابداری، دانشکده صنایع و مدیریت، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران.  
mahdi.mollaie@shahroodut.ac.ir

### چکیده

حقوق اقتصادی کودکان یکی از مهم‌ترین ابعاد حمایت‌های حقوق بشری برای کودکان است که در نظام‌های حقوقی مختلف و اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله با رویکرد تطبیقی و روش توصیفی تحلیلی، حقوق اقتصادی کودکان را در نظام حقوقی ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی بررسی می‌کند. در این راستا، پرسش‌های اساسی بدین‌گونه مطرح می‌شوند؛ گستره حقوق اقتصادی کودکان در ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی چگونه است و آیا این حقوق از جامعیت و ضمانت اجرای کافی برخوردار است؟ در ایران، برخی قوانین مانند قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و قانون کار، بخشی از حقوق اقتصادی کودکان را در زمینه‌هایی چون ممنوعیت کار کودک، تأمین نفقه، حمایت از کودکان کار و تأمین اجتماعی تضمین می‌کند. در آمریکا، چارچوب‌های قانونی گسترده‌تری شامل قانون حمایت از کودک و پیشگیری از کودک‌آزاری، قوانین تأمین اجتماعی، قانون حمایت از فرزندخواندگی، برنامه بیمه سلامت کودکان و قوانین مرتبط با حداقل سن کار وجود دارد که حمایت‌های مالی و رفاهی متنوعی را برای کودکان فراهم می‌آورد. اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک نیز، با تأکید بر منافع عالی‌ه کودک، حق بقا، رشد، آموزش، امنیت اجتماعی و ممنوعیت بهره‌کشی اقتصادی، چارچوبی جامع برای حمایت از حقوق اقتصادی کودکان ارائه می‌دهد. علی‌رغم تفاوت‌های ساختاری، هر سه نظام بر ضرورت تأمین نیازهای اقتصادی و رفاهی کودکان تأکید دارند، اما چالش‌هایی مانند نقص قوانین و اجرای ناقص آن، تبعیض و فقر کماکان وجود دارد. این جستار با تحلیل تطبیقی، پیشنهاد الحاق مواد تکمیلی، به‌منظور بهبود حمایت‌های حقوقی از حقوق اقتصادی کودکان در ایران را نیز ارائه داده است.

واژگان کلیدی: حقوق اقتصادی کودکان، کنوانسیون حقوق کودک، بهره‌کشی اقتصادی، حقوق بشر.



## مقدمه

در سال‌های اخیر جهان شاهد افزایش درک از رابطه بین فقر و حقوق بشر، گسترش آگاهی از جایگاه کودکان به عنوان دارندگان حق، و افزایش پیوند بین حقوق بشر و فقر کودکان در زمینه توسعه بوده است. این تحولات، که با نگرانی‌های فزاینده در مورد تأثیرات جهانی‌سازی اقتصادی بر کودکان تشدید شده است، به طور قابل پیش‌بینی توجه آکادمیک و عملی متخصصان را به حقوقی از کودکان معطوف کرده‌اند که به طور مستقیم به تضمین بقا و نیازهای رشدی کودکان می‌پردازد و به حقوق اقتصادی کودکان معروف شده‌اند. کودکان به عنوان گروهی آسیب‌پذیر و دارای نیازهای ویژه، از جمله مهم‌ترین مخاطبان حقوق بشر و نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی هستند. حقوق اقتصادی کودکان، بخشی اساسی از حقوق آنان به شمار می‌رود که تضمین‌کننده تأمین نیازهای مادی، رفاهی، آموزشی و بهداشتی آنهاست و نقش مهمی در رشد و توسعه متوازن آنان ایفا می‌کند. مطالعه تطبیقی این نظام‌ها، علاوه بر نشان دادن نقاط اشتراک و تمایز، زمینه‌ساز ارتقاء سیاستها و قوانین داخلی در جهت تحقق بهتر حقوق اقتصادی کودکان است. در این راستا، پرسش‌های اساسی مطرح می‌شود: گستره حقوق اقتصادی کودکان در ایران و آمریکا چیست؟ آیا این حقوق از جامعیت و ضمانت اجرای کافی برخوردار است؟ در نظام حقوقی ایران، با توجه به قوانین موضوعه و اسناد بالادستی، حمایت‌هایی در زمینه ممنوعیت کار کودک، تأمین نفقه، بیمه سلامت و حمایت از کودکان کار پیش‌بینی شده است. در مقابل، نظام حقوقی آمریکا با مجموعه‌ای گسترده‌تر از قوانین فدرال و ایالتی، از جمله CAPTA، Social Security Act و برنامه‌های بیمه سلامت کودکان، چارچوب‌های متنوعی برای حمایت اقتصادی کودکان فراهم کرده است. همچنین، اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک (CRC) با تأکید بر منافع عالی‌ه کودک، حق بقا، رشد، آموزش و امنیت اجتماعی، مبنایی مشترک برای حمایت از حقوق اقتصادی کودکان در سطح جهانی ایجاد کرده‌اند.

از نظر پیشینه تحقیق تا جایی که نگارنده تفحص کرده، در خصوص حقوق اقتصادی کودکان در ایران مطالعات جامع و مانعی انجام نشده است. هاشمی و همتی (۱۳۹۰) در پژوهشی، مبانی نظری و موازین بین‌المللی حقوق رفاهی کودکان را تحلیل کرده‌اند. محمدی و میرابی (۱۴۰۰) در مطالعه خود

چنین نتیجه گرفته‌اند که تحقق حقوق اقتصادی کودکان در گرو تأمین سایر حقوق آنهاست. در ایران، پژوهش‌ها عمدتاً بر مباحثی چون وضعیت کودکان کار (پورمحمد، ارفع نیا، افشاری و تقی زاده، ۱۴۰۲)، نابرابری‌های اقتصادی (طوسی‌ان، پورقصاب و جهانگیری، ۱۴۰۰)، تأمین نفقه (فیروزگاه، ۱۴۰۲)، بیمه سلامت (فیروزپور، ۱۴۰۰) و تغذیه کودکان (توسلی و بهزادفر، ۱۳۹۹) متمرکز بوده‌اند. در آمریکا، تاریخچه حمایت از حقوق اقتصادی کودکان به دوران انقلاب صنعتی باز می‌گردد که با تصویب قوانین محدودکننده کار کودکان و توسعه برنامه‌های حمایتی مانند CAPTA، Social Security Act و CHIP، چارچوب‌های گسترده‌ای برای حمایت مالی و رفاهی کودکان شکل گرفته است. پژوهش‌های تطبیقی نشان می‌دهد که هرچند نظام‌های حقوقی ایران و آمریکا در حمایت از حقوق اقتصادی کودکان اهداف مشترکی دارند، تفاوت‌های ساختاری، فرهنگی و اجرایی و چالش‌های قابل توجهی وجود دارد که نیازمند بازنگری و اصلاح قوانین و سیاستهاست. تبیین جامع مصادیق حقوق اقتصادی کودکان در ایران و مطالعه تطبیقی با نظام حقوقی آمریکا از نوآوری‌های مقاله حاضر می‌باشد.

### روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر توصیفی، تحلیلی و تطبیقی است. در روش توصیفی، شرایط و روابط موجود به گونه‌ای دقیق و منظم توصیف و تفسیر می‌شود تا وضعیت کنونی پدیده مورد مطالعه مشخص گردد. در این راستا، ابتدا وضعیت حقوق اقتصادی کودکان در نظام حقوقی ایران تشریح می‌شود. سپس با بهره‌گیری از روش تحلیلی، داده‌های گردآوری شده مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. تحلیل محتوا به منظور شناسایی الگوها و ساختارهای موجود در داده‌ها به کار می‌رود و به گونه‌ای انجام می‌شود که قابلیت تکرار و نظام‌مندی داشته باشد. در نهایت، با استناد به اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که استفاده از علوم، فنون و تجارب پیشرفته بشری را مجاز می‌داند، یافته‌های حاصل از نظام حقوقی ایران با دستاوردهای نظام حقوقی آمریکا تطبیق داده شده و نتایج تطبیقی استخراج می‌گردد. این رویکرد تطبیقی امکان بهره‌مندی از تجارب بین‌المللی را فراهم ساخته و به غنای تحلیل کمک می‌کند.





حتی اگر کودک هنوز به سن قانونی نرسیده باشد، نام او باید به عنوان صاحب اثر ذکر شود و هیچ‌کس حق ندارد بدون اجازه، اثر او را به نام خود منتشر کند. د- حمایت از شخصیت و شهرت: بر اساس ماده فوق، حقوق معنوی شامل حمایت از شخصیت، شهرت و اعتبار کودک در ارتباط با آثار فکری و هنری اوست. حقوق فوق هر چند به رسمیت شناخته شده اما به خوبی تضمین نشده است و اکثر مردم و جامعه کودکان از آن آگاهی ندارند.

### ۲.۱. حق انعقاد قرارداد

بر اساس ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی معاملات و اعمال حقوقی صغیر (کودک) باطل است مگر اعمالی که صرفاً به نفع او باشد. در حقوق ایران، اصل بر عدم اهلیت کودکان برای انعقاد قرارداد است، اما استثناها و مصادیقی وجود دارد که کودک می‌تواند به طور مستقیم یا با دخالت نماینده قانونی (ولی، قیم یا سرپرست) طرف قرارداد قرار گیرد. مهم‌ترین مصادیق حق انعقاد قرارداد کودکان در ایران عبارت‌اند از:

الف- انعقاد قرارداد توسط نماینده قانونی، ولی یا قیم: کودک (صغیر) به دلیل نداشتن اهلیت استیفاء، نمی‌تواند شخصاً قرارداد منعقد کند، اما ولی (پدر یا جد پدری) یا قیم می‌تواند به نمایندگی از او، قراردادهایی مانند خرید و فروش اموال، اجاره، افتتاح حساب بانکی، سرمایه‌گذاری، بیمه و... را منعقد کند. ب- انعقاد قرارداد توسط کودک بالغ و رشید: بر اساس تبصره ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن بلوغ برای دختران ۹ سال قمری و برای پسران ۱۵ سال قمری است. پس از رسیدن به سن بلوغ، کودک از نظر مدنی بالغ محسوب می‌شود و می‌تواند همانند بزرگسالان اعمال حقوقی و قراردادهای را انجام دهد؛ البته اعمال حقوقی مهم (مانند معاملات بزرگ) نیازمند اثبات رشد است و یا باید توسط ولی طفل تنفیذ شود. ج- قرارداد کار برای نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال: طبق ماده ۸۰ قانون کار، افراد ۱۵ تا ۱۸ سال می‌توانند با رعایت شرایط خاص (آزمایش پزشکی، محدودیت ساعت کار، منع کارهای سخت و زیان‌آور) قرارداد کار منعقد کنند. اما به کارگیری افراد زیر ۱۵ سال مطلقاً ممنوع است و قرارداد آنان باطل تلقی می‌شود. درآمد کودکان متعلق به خود آنهاست و در صورت سو استفاده والدین یا دیگران، حق جبران خسارت برای کودک به رسمیت شناخته شده است. د- قراردادهای مربوط به فرزندخواندگی

و سرپرستی: قراردادهای و توافقات مربوط به سرپرستی یا فرزندخواندگی کودک، با حضور و امضای نماینده قانونی (ولی یا قیم یا سرپرست) و تأیید مراجع ذیصلاح منعقد می‌شود و کودک شخصاً طرف قرارداد نیست، اما حقوق و منافع او در قرارداد لحاظ می‌شود. و- قراردادهای صرفاً به نفع کودک: اکثر حقوقدانان معتقدند کودک می‌تواند اموالی را از طریق هبه یا وصیت قبول کند، حتی اگر صغیر باشد؛ زیرا این اعمال صرفاً به نفع کودک است و نیاز به اهلیت استیفاء ندارد (امامی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص. ۴۷۲)، اما به نظر می‌رسد جهت پیشگیری از سوءاستفاده احتمالی از کودکان، بهتر است این دسته از معاملات نیز غیر نافذ باشد و ولی کودک آن را تفیذ نماید.

### ۳.۱. حق نفقه

طبق قانون مدنی تأمین هزینه‌های لازم و متعارف کودک و نوجوان از طریق حلال بر عهده ولی یا سرپرست قانونی او است. در صورتی که وی دارای تمکن مالی باشد، ولی قهری می‌تواند با رعایت مصلحت او هزینه‌های مزبور را از اموال وی اخذ نماید و دولت باید اقدامات قانونی و حمایتی مؤثر درخصوص التزام والدین یا سرپرست قانونی او به ایفای این تعهدات را اتخاذ کند. در مواردی که کودک یا نوجوان و مسئول تأمین هزینه‌های وی فاقد تمکن مالی باشند، دولت موظف به حمایت از آنان است. مصادیق حق نفقه کودکان در ایران طبق ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی و رویه قضایی، شامل موارد زیر است: الف- خوراک: تأمین غذای کافی و مناسب برای رفع نیازهای جسمی و رشد کودک؛ ب- پوشاک: تهیه لباس متناسب با فصل، سن و شأن اجتماعی کودک؛ ج- مسکن: فراهم کردن محل سکونت مناسب و ایمن برای کودک؛ د- اثاث البیت: تهیه وسایل ضروری زندگی مانند تخت، فرش، لوازم بهداشتی و سایر ملزومات منزل؛ و- هزینه‌های بهداشت و درمان: پرداخت هزینه‌های درمانی، دارو، و مراقبت‌های پزشکی متعارف؛ ز- هزینه آموزش: تأمین مخارج تحصیل، لوازم التحریر، شهریه و سایر هزینه‌های مرتبط با آموزش و پرورش کودک؛ ح- هزینه رفت و آمد: پرداخت هزینه‌های حمل و نقل متعارف برای رفت و آمد به مدرسه یا مراکز درمانی؛ ط- سایر نیازهای متعارف: هر هزینه متعارف و ضروری دیگر که با توجه به عرف، شأن خانوادگی و نیازهای کودک لازم باشد، مانند هزینه

تفریح، ورزش یا مهارت‌آموزی. این مصادیق محدود به موارد فوق نیست و دادگاه می‌تواند با توجه به شرایط زندگی و نیازهای کودک، موارد دیگری را نیز به عنوان نفقه تعیین کند. نفقه فرزند مشروع بر عهده پدر است و در صورت فوت یا ناتوانی پدر، به ترتیب بر عهده اجداد پدری، مادر و سپس سایر اقارب واجب‌النفقه قرار می‌گیرد. نفقه فرزندخوانده قانونی نیز همانند فرزند مشروع بر عهده سرپرست است، اما فرزند نامشروع حق نفقه ندارد مگر با اثبات نسب توسط دادگاه. علیرغم اینکه حق مسکن مناسب و ایمن از مصادیق مهم حقوق اقتصادی کودکان است؛ اما متأسفانه برخی والدین برای تنبیه کودکان آنها را از منزل اخراج می‌کنند که تبعات زیادی را برای کودک به دنبال دارد و جرم‌انگاری نشده است.

#### ۴.۱. حق آموزش اقتصادی

حق آموزش اقتصادی کودکان در اصول سوم و سی‌ام قانون اساسی ایران، اسناد بالادستی نظام آموزشی ایران، کنوانسیون حقوق کودک و پژوهش‌های مرتبط با تربیت اقتصادی کودکان مورد تأکید قرار گرفته‌اند و هدف آن‌ها ارتقای سواد مالی، عدالت اجتماعی و کاهش آسیب‌های اقتصادی در آینده کودکان است. طبق ماده ۹ سند ملی حقوق کودک و نوجوان (مصوب ۱۴۰۰)، کودک و نوجوان از حق تربیت اقتصادی از قبیل: آشنایی با قوانین و احکام شرعی، تقویت روحیه احسان و انفاق به نیازمندان، فراگیری الگوی مصرف، حرفه‌آموزی متناسب با سن، جنسیت و سایر شرایط خود برخوردار است. مصادیق حق آموزش اقتصادی کودکان در ایران شامل موارد زیر است: تربیت اقتصادی در برنامه درسی رسمی، آموزش مفاهیم اخلاقی اقتصادی، استفاده از روش‌های فعال و بازی‌محور، آشنایی با مهارت‌های مالی زندگی، تأکید بر عدالت آموزشی و فرصت‌های برابر، آموزش پیشگیری از کار کودک و حمایت از حق تحصیل. خانواده و مدرسه به عنوان دو نهاد اصلی در جامعه، هر دو مسئولیت دارند که کودکان را با مفاهیم اقتصادی آشنا کنند و محیطی مناسب برای یادگیری فراهم آورند. حق آموزش اقتصادی کودکان در ایران از نظارت و ضمانت اجرای کافی برخوردار نیست و این امر تبعاتی را برای آینده کودک به دنبال دارد.





نوجوان محسوب می‌شوند و کار آنها باید با شرایط ویژه، از جمله آزمایش پزشکی و محدودیت ساعت کار، انجام گیرد. البته کار در کارگاه‌های خانوادگی که کارفرما همسر یا بستگان درجه یک باشد، مشمول قانون کار نیست و حداقل سن کار در این موارد رعایت نمی‌شود. ماده ۱۷۶ قانون فوق، مجازات نقدی و حبس برای کارفرمایی که مقررات کار کودک را نقض کنند را پیش بینی کرده است. طبق ماده ۱۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (مصوب ۱۳۹۹) هرگونه بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان، اعم از به‌کارگیری غیرقانونی یا وادار کردن به کارهای مضر یا خطرناک، جرم تلقی شده و علاوه بر مجازات‌های قانون کار، مرتکب به حبس درجه شش محکوم می‌شود. بر اساس بندهای «ح» و «ژ» ماده ۳ قانون فوق، بهره‌کشی اقتصادی از کودک، از مصادیق وضعیت مخاطره‌آمیز شناخته شده و همه دستگاه‌های دولتی را به مداخله فوری ملزم می‌کند. بر اساس الحاق ایران به کنوانسیون بین‌المللی منع بدترین اشکال کار کودک، کارهایی که به سلامت جسمانی و اخلاقی کودک آسیب می‌رساند، ممنوع است و قانون‌گذار مصادیق آن را با مشورت سازمان‌های کارفرمایی و کارگری تعیین می‌کند.

#### ۷.۱. حق جبران خسارات کودک

طبق مواد ۲۵ تا ۲۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصادره اموال حاصل از جرم علیه کودکان و تقدم جبران خسارت کودک بر سایر مطالبات پیش بینی شده است. کودکان به دلیل عدم اهلیت استیفاء، نمی‌توانند شخصاً دعوی جبران خسارت را مطرح کنند و این حق باید توسط ولی یا قیم آنها پیگیری شود. مصادیق حق جبران خسارت کودکان در ایران شامل موارد زیر است: الف- جبران خسارت ناشی از اعمال کودک: طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹)، اگر کودک (صغیر) به دیگری خسارت وارد کند، مسئولیت جبران آن اصولاً بر عهده سرپرست قانونی (ولی، قیم یا والدین) است. سرپرست باید خسارت را جبران کند مگر اینکه ثابت شود در نگهداری کودک کوتاهی نکرده است. ب- مسئولیت سرپرست در صورت کوتاهی: اگر سرپرست در مراقبت از کودک کوتاهی کند و این کوتاهی موجب خسارت به شخص ثالث شود، مسئول جبران خسارت است و باید خسارت را بپردازد. در صورت ناتوانی مالی سرپرست، جبران خسارت از اموال خود کودک انجام می‌شود. ج- مسئولیت

کودک در صورت عدم کوتاهی سرپرست: اگر سرپرست کوتاهی نکرده باشد، خود کودک ضامن خسارت وارده است و باید جبران کند. د- جبران خسارت مادی و معنوی: خسارات شامل آسیب‌های جسمانی، هزینه‌های درمان، آسیب‌های روانی و معنوی، از دست دادن فرصت تحصیل و کارآموزی، هزینه‌های حقوقی، مسکن و رفت‌وآمد می‌شود. ه- مسئولیت کیفری و مدنی کودک: در جرایم جانی، عاقله (خویشاوندان مسئول مالی) مسئول پرداخت دیه هستند، اما در جرایم مالی که کودک موجب خسارت به مال دیگری شده، خود کودک مسئول جبران است و ولی او باید پرداخت را انجام دهد. در مواردی که بزه‌کار قادر به پرداخت خسارت نباشد، دولت، بیمه یا صندوق‌های خاص موظف به جبران خسارت کودک زیان‌دیده هستند. این مصادیق نشان‌دهنده چارچوب قانونی حمایت از کودکان در برابر خسارات وارده و نیز مسئولیت جبران خسارت ناشی از اعمال کودکان در حقوق ایران است.

تحلیل قوانین ایران و مقایسه آن با اسناد بین‌المللی و برخی نظام‌های حقوقی پیشرو حاکی از آن است که برخی مصادیق حقوق اقتصادی کودکان در قوانین ایران به طور صریحاً کامل ذکر نشده‌اند. این حقوق عبارت‌اند از: الف- حق حمایت اقتصادی مستقیم دولت از کودکان محروم (مانند پرداخت کمک‌هزینه نقدی یا پارانه ویژه کودکان): در قوانین ایران، برخلاف برخی کشورها، مکانیزم‌های شفاف و مستقلی برای پرداخت مستقیم کمک‌هزینه‌های نقدی به کودکان یا خانواده‌های کم‌درآمد با هدف کاهش فقر کودکان وجود ندارد و بیشتر حمایت‌ها به صورت کلی و غیرهدفمند است. ب- حق دسترسی رایگان و همگانی به آموزش پیش‌دبستانی و خدمات مراقبت روزانه: هرچند آموزش ابتدایی رایگان در قانون اساسی ایران ذکر شده، اما پوشش کامل و رایگان آموزش پیش‌دبستانی و خدمات مراقبت روزانه کودکان به عنوان یک حق اقتصادی مستقل، تصریح نشده است. ج- حق حمایت جامع از کودکان دارای معلولیت در حوزه اقتصادی: قوانین ایران مقررات خاص و جامعی برای تأمین مالی، آموزش رایگان و خدمات حمایتی ویژه کودکان دارای نیازهای ویژه و معلولیت، مشابه آنچه در قوانین آمریکا (IDEA)<sup>1</sup> دیده می‌شود، پیش‌بینی نکرده‌اند. د- فقدان ممنوعیت صریح و جامع بهره‌کشی

1. Individuals with Disabilities Education Act(1975).

اقتصادی از کودکان در همه اشکال آن: اگرچه در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به بهره‌کشی اقتصادی اشاره شده، اما تعریف دقیق و جامعی از همه اشکال بهره‌کشی اقتصادی (مانند اجاره کودک، معامله کودک، کار خانگی پنهان، ازدواج اجباری در ازای پول) و ضمانت اجرای کافی وجود ندارد و این خلأ مورد انتقاد فعالان حقوق کودک است. ه- فقدان حمایت اقتصادی از کودکان بی‌سرپرست و در معرض آسیب برای استقلال اقتصادی پس از سن بلوغ: قوانین ایران فاقد برنامه‌های ساختارمند برای حمایت از کودکان بی‌سرپرست پس از خروج از مراکز نگهداری و ورود به زندگی مستقل هستند، در حالی که در برخی کشورها مانند آمریکا برنامه‌های ویژه‌ای برای آموزش مهارت‌های زندگی و حمایت مالی این گروه وجود دارد. و- تضمین حق مشارکت اقتصادی کودکان در فضای دیجیتال و حمایت از حریم خصوصی و امنیت اقتصادی آنان: قوانین ایران مقررات خاصی برای حمایت از حقوق اقتصادی کودکان در فضای مجازی و مقابله با سوءاستفاده اقتصادی از داده‌ها و اطلاعات کودکان ندارند. ز- فقدان حمایت ویژه از کودکان مهاجر و بدون تابعیت در حوزه اقتصادی: مقررات ایران نسبت به حمایت اقتصادی از کودکان مهاجر، پناهنجو یا بدون شناسنامه و تابعیت، شفاف و جامع نیست. در مجموع باید گفت هرچند قوانین ایران برخی محورهای اساسی حقوق اقتصادی کودکان مانند منع کار کودک و حق نفقه را پوشش می‌دهد، اما در حوزه‌هایی مانند حمایت اقتصادی هدفمند، حمایت از کودکان آسیب‌پذیر، مقابله با اشکال نوین بهره‌کشی و تأمین رفاه اقتصادی جامع، خلأهای جدی وجود دارد که نیازمند اصلاح و تکمیل است.

## ۲. تحلیل حقوق اقتصادی و اجتماعی کودکان مطابق اسناد بین‌المللی

حقوق اقتصادی کودکان در اسناد بین‌المللی به صراحت به رسمیت شناخته شده است. حقوق مذکور در کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۱۹۸۹) شامل موارد زیر است: حق دسترسی به بالاترین سطح قابل حصول سلامت (ماده ۲۴)؛ حق بهره‌مندی از تأمین اجتماعی (ماده ۲۶)؛ حق دسترسی به سطح زندگی کافی برای رشد جسمی، ذهنی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی کودک (ماده ۲۷)؛ حق آموزش (مواد ۲۸ و ۲۹)؛ و حق بقا و رشد کودک تا حداکثر میزان ممکن (ماده ۶). کنوانسیون به‌طور ضمنی یا صریح

حقوق کودکان دارای معلولیت (ماده ۲۳)، حق قربانیان کودک برای بهبودی جسمی و روانی و ادغام مجدد اجتماعی (ماده ۳۹)، حقوق کودکان پناهنده (ماده ۲۲) و حق رهایی از استثمار اقتصادی و کاری که احتمالاً خطرناک است، با تحصیل کودک تداخل دارد یا به رشد کودک آسیب می‌رساند (ماده ۳۲) را ترسیم می‌کند (Assembly, 1989, p1-23).

#### ۱.۲. مقایسه کنوانسیون حقوق کودک با میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

استانداردهای حقوق اقتصادی و اجتماعی در کنوانسیون حقوق کودک تا حدودی منعکس‌کننده استانداردهای موجود در تأثیرگذارترین سند سازمان ملل متحد در زمینه حقوق اقتصادی و اجتماعی - یعنی میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR)<sup>۱</sup> است. با این حال، کنوانسیون برخلاف میثاق که همگانی است به طور خاص تر عمل کرده است. برای مثال، در حالی که ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق تأمین اجتماعی را برای همه مقرر می‌کند، ماده ۲۶ کنوانسیون حق کودکان برای بهره‌مندی از تأمین اجتماعی را تعیین می‌کند. به طور مشابه، در حالی که هم ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و هم ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک گام‌های مفصلی را برای اعمال حق سلامت تعیین می‌کنند، کنوانسیون منحصراً بر پیشبرد حقوق سلامتی کودکان و والدین متمرکز است. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عمدتاً بر تعهدات دولتها تأکید دارد. با این حال، کنوانسیون حقوق کودک به وضوح جایگاه کودکان در خانواده‌ها و نقش والدین و سایر مسئولان قانونی را در تأمین حقوق اقتصادی و اجتماعی (ESR)<sup>۲</sup> کودکان مشخص می‌کند. ماده ۱۱ میثاق در مورد حق برخورداری از سطح زندگی مناسب، طیفی از اقدامات الزامی برای دولتها را جهت تحقق این حق ترسیم می‌کند. در مقابل، ماده ۲۷ کنوانسیون تأکید می‌کند که در وهله اول، «والدین یا سایر مسئولان کودک، مسئولیت اصلی را برای تأمین شرایط زندگی ضروری برای رشد کودک، متناسب با توانایی‌ها و ظرفیت مالی خود بر عهده دارند». دولتها نقشی تکمیلی ایفا می‌کنند و موظفند «مطابق با شرایط ملی و در چارچوب امکانات

1. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights.

2. Economic, Social and Cultural Rights.

خود، اقدامات مناسب را برای کمک به والدین و سایر مسئولان در اجرای این حق انجام دهند» و «در صورت نیاز»، کمک‌های مادی و برنامه‌های حمایتی، به ویژه در حوزه‌های تغذیه، پوشاک و مسکن ارائه دهند. ماده ۳۲ کنوانسیون که به ممنوعیت استثمار اقتصادی و کارهای خطرناک برای کودکان می‌پردازد، به طور چشمگیری با مواد مربوط به حق کار و شرایط عادلانه شغلی در میثاق (مواد ۶ و ۷) متفاوت است. هیچ معادلی برای مقررات میثاق در مورد حقوق اتحادیه‌های کارگری در کنوانسیون وجود ندارد. در واقع، ماده کلیدی کنوانسیون درباره کار، بسیار نزدیک به ماده ۱۰ میثاق است که اقدامات ویژه حمایتی برای کودکان و جوانان را الزامی می‌کند. اگرچه تفسیر کلی شماره ۲۰ کمیته حقوق کودک<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) به «نقش مثبت کار در زندگی نوجوانان» اشاره دارد، اما متن کنوانسیون نشان می‌دهد که به جای به رسمیت شناختن حق کار برای کودکان، این کنوانسیون کار را امری می‌داند که کودکان باید تا حد امکان از آن محافظت شوند و تنها در سنین مشخص و تحت شرایط تنظیم شده انجام گیرد (Nolan, 2017, p2).

## ۲.۲. نقش کمیته حقوق کودک در تفسیر حقوق اقتصادی کودکان

کمیته حقوق کودک نقش مهمی در تفسیر حقوق اقتصادی کودکان دارد. این کمیته تا قبل از فوریه ۲۰۱۳، تفسیر کلی موضوعی و حق محور در مورد هیچ‌یک از حقوق اقتصادی و اجتماعی مندرج در کنوانسیون منتشر نکرده بود؛ لیکن بعد از این سال، تفسیر کلی کمیته در مورد حق کودک برای بهره‌مندی از بالاترین سطح قابل دستیابی سلامت یک اقدام ارزشمند در حوزه حقوق اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود (ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک). مهم‌ترین اصل کمیته مذکور در تفسیر حقوق اقتصادی و رفاهی کودکان، اتکای شدید این کمیته به فعالیت‌های کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ComESCR<sup>۲</sup>) است. این نهاد مأموریت دارد تا بر پیشرفت دولتها در زمینه پایبندی به میثاق نظارت کند ( UN Economic and Social Council Resolution, 1985/17 28 May )

1. General Comment No. 20 of the Committee on the Rights of the Child (2016).

2. Committee on Economic, Social and Cultural Rights.

(1985). در مقابل، طبق ماده ۴۳ کنوانسیون، وظیفه کمیته حقوق کودک بررسی پیشرفت دولت‌های عضو در تحقق تعهدات پذیرفته‌شده است. با وجود اینکه همپوشانی روشنی بین حقوق مندرج در کنوانسیون و میثاق وجود دارد، این کمیته‌ها نهادهای مستقلی با مأموریت‌های خاص خود هستند. کمیته حقوق کودک مفهوم «حداقل استانداردهای اصلی»<sup>۱</sup> حقوق اقتصادی و اجتماعی را با استناد صریح به کمیته حقوق اقتصادی در این زمینه اتخاذ کرده است (ComRC Day of General Discussion on resources, paras, 48-49). به اعتقاد کمیته «رعایت تعهدات مربوط به هسته یک حق نباید وابسته به در دسترس بودن منابع باشد». کمیته در تفسیر عمومی شماره ۱۵ طیفی از «تعهدات اصلی» تحمیل شده توسط آن حق را برجسته ساخت و بدین ترتیب رویکرد کمیته حقوق اقتصادی را تکرار کرد (ComRC General Comment No15, para73). کمیته حقوق اقتصادی در بند ۱۰ تفسیر عمومی شماره ۳ تصریح کرده است: «تعهد هسته‌ای حداقلی برای تضمین حداقل سطوح ضروری هر حق، بر عهده تمامی دولت‌های عضو است. بنابراین، به عنوان مثال، اگر در یک دولت عضو، تعداد قابل توجهی از افراد از دسترسی به مواد غذایی ضروری، خدمات بهداشتی اولیه، مسکن اساسی، یا ابتدایی‌ترین اشکال آموزش محروم باشند، آن دولت در انجام تعهدات خود تحت میثاق، به‌طور اولیه قصور کرده است.» کمیته حقوق کودک همچنین با پیروی از کمیته حقوق اقتصادی، به تشریح سایر تعهدات فوری ذیل کنوانسیون پرداخته است. ارجاع این کمیته به تقسیم‌بندی سه‌جانبه تعهدات دولت‌ها، یعنی اینکه دولت‌های عضو باید به حقوق «احترام بگذارند، از آن حمایت کنند و آن را محقق سازند» (ComRC General Comment No.4, para. 3)، این موضوع را روشن می‌سازد دولت‌ها نه تنها باید از مداخله در حقوق کودکان خودداری کنند، بلکه باید فعالانه از حقوق آنان حمایت و برای تحقق آن تلاش کنند و گام‌هایی را برای جلوگیری از مداخله مضر اشخاص ثالث در بهره‌مندی از این حقوق بردارند. در تفسیر عمومی شماره ۱۹ خود، کمیته به وضوح، تقسیم‌بندی سه‌جانبه را در بخشی از ماده ۴ که بر «اجرای حقوق شناخته شده در این کنوانسیون» (یا «اجرای

1. core minimum standards.

حقوق کودکان» متمرکز است، قرار داده و از این رو تصریح کرده است که ابزار تحلیلی «احترام، حمایت و تحقق» بر همه حقوق اعمال می‌شود نه فقط حقوق اقتصادی و اجتماعی. این کمیته در انجام این کار، از درکی از عناصر مختلف این تقسیم‌بندی استفاده کرده که به شدت مبتنی بر درک کمیته حقوق اقتصاد بوده است. فراتر از استانداردهای اصلی، تعهد دولت‌های عضو به عدم تبعیض نیز دارای اثر فوری است و کمیته تصریح کرده است که این امر در زمینه بهره‌مندی از حقوق اقتصادی-اجتماعی، شامل تبعیض بر اساس سن نیز می‌شود. کمیته در راستای تحقق این تعهد اخیر، «نیاز به شناسایی و اولویت‌بخشی به گروه‌های حاشیه‌نشین و محروم کودکان» را به رسمیت شناخته است ( ComRC Day of General Discussion on resources, para. 40). حوزه نهایی تعهدات مربوط به حقوق اقتصادی کودکان وجود دارد که به تازگی توسط کمیته و سایرین در حال بررسی است و آن، تعهد مندرج در ماده ۴ مبنی بر همکاری بین‌المللی - یا به عبارت دیگر، چگونگی نگرش کمیته حقوق کودک به آن، «اجرای جهانی از طریق همکاری بین‌المللی» است. ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک به مسئولیت دولت‌ها در قبال همه کودکان «در قلمرو قضایی خود» اشاره دارد. با این حال، در ماده ۴ به قلمرو قضایی اشاره‌ای نشده است و ارجاع آن به «چارچوب همکاری بین‌المللی» ظاهراً منجر به تحمیل تعهدات فراسرزمینی می‌شود (Nolan, 2017, p8).

### ۳.۲. الزام کنوانسیون به همکاری دولت‌ها به منظور تحقق حقوق اقتصادی کودکان

طبق کنوانسیون حقوق کودک دولت‌ها موظف به همکاری با یکدیگر هستند. ماده ۴ تأکید می‌کند که «اجرای کنوانسیون، یک تلاش جمعی برای کشورهای جهان است.» می‌توان گفت که کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۴ خود، بر همکاری بین‌المللی به عنوان یک اصل اساسی برای تحقق حقوق کودکان تأکید دارد. این همکاری، ابعاد گوناگونی از جمله تبادل اطلاعات، حمایت از کودکان پناهنده، ارتقای سطح سلامت و تضمین نفقه را در بر می‌گیرد. دولت‌ها تشویق می‌شوند تا در فرآیند اجرای کنوانسیون، در صورت اقتضا، کمک‌های فنی ارائه دهند و از آن استفاده کنند (Assembly, 1989, p1-23). طبق ماده ۴ کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌هایی که فاقد منابع لازم برای اجرای حقوق مندرج در کنوانسیون



هستند، موظف به جستجوی همکاری بین‌المللی هستند. در حالی که دولت‌های دارای منابع برای همکاری بین‌المللی، موظف به ارائه چنین همکاری با هدف تسهیل اجرای حقوق کودکان در دولت دریافت‌کننده هستند. دولت‌ها نباید وام‌هایی را از سازمان‌های بین‌المللی بپذیرند یا با شرایط تعیین‌شده توسط چنین سازمان‌هایی موافقت کنند، اگر این وام‌ها یا سیاست‌ها احتمالاً منجر به نقض حقوق کودکان شود. کمیته در زمینه همکاری‌های بین‌المللی اظهار داشته‌است که گروه بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی باید اطمینان حاصل کنند که فعالیت‌های آن‌ها مرتبط با همکاری‌های بین‌المللی و توسعه اقتصادی، منافع عالی کودکان را در اولویت قرار داده و اجرای کامل کنوانسیون را ترویج می‌کند ( ComRC, GC No.5, para 64).

#### ۴.۲. نقش بازیگران غیر دولتی در تحقق حقوق اقتصادی کودکان

دولت‌ها تنها بازیگرانی نیستند که در تضمین حقوق اقتصادی کودکان نقش دارند. کمیته حقوق کودک در تعدادی از بیانیه‌ها به مسئولیت‌های بازیگران غیردولتی در رابطه با حقوق اقتصادی-اجتماعی پرداخته و با بیان اینکه تعهد قانونی دولت‌ها برای احترام و تضمین حقوق کودکان طبق کنوانسیون، که شامل تعهد به تضمین این است که ارائه‌دهندگان خدمات عمومی غیردولتی مطابق با مفاد آن عمل کنند، تکالیف غیرمستقیمی را بر این بازیگران ایجاد می‌کند (ComRC, GC No.5, para 43). در حالی که ایفای این مسئولیت‌ها از نظر بهره‌مندی از حقوق اقتصادی-اجتماعی مهم است، هیچ سند بین‌المللی الزام‌آور قانونی در مورد مسئولیت‌های بخش تجاری در قبال حقوق بشر وجود ندارد. بنابراین وظایف و مسئولیت‌ها برای احترام به حقوق کودکان در عمل فراتر از دولت و خدمات و مؤسسات تحت کنترل دولت گسترش می‌یابد و شامل بازیگران خصوصی نیز می‌شود ( ComRC, GC No.16, para 8, GC No.5, para 56). با این حال، با توجه به افزایش پدیده جهانی خصوصی‌سازی، مهم است که تأکید شود کمیته به وضوح اعلام کرده‌است که توانمندسازی بخش خصوصی برای ارائه خدمات، اداره مؤسسات و غیره، به هیچ وجه از تعهد دولت برای تضمین شناسایی کامل و تحقق همه حقوق مندرج

در کنوانسیون برای همه کودکان در قلمرو قضایی خود نمی‌کاهد (ComRC, GC No.5, para4). کمیته اخیراً بر لزوم تضمین مشارکت کودک در تصمیمات و فرایندهای مرتبط با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد.

## ۵.۲. چالش‌های اجرای حقوق اقتصادی کودکان بر اساس کنوانسیون

اجرای حقوق اقتصادی کودکان بر اساس کنوانسیون با چالش‌هایی روبروست. برخی از این چالش‌ها دیرینه‌اند. برای مثال، بهره‌مندی کودکان از حقوق اقتصادی از این واقعیت رنج می‌برد که حقوق مذکور نسبت به حقوق مدنی و سیاسی در قوانین بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی حقوق بشر توجه بسیار کمتری را به خود جلب می‌کنند. دوم آنکه دیدگاه‌های کودکان در یک استاندارد مهم حقوق نرم با تمرکز شدید بر حقوق اقتصادی اجتماعی باید اعمال شود. این امر با دیدگاه صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف)<sup>۱</sup> مبنی بر این که کاهش فقر کودکان به معنای بهبود فرصت‌ها برای مشارکت کودکان محروم در جامعه است، همخوانی دارد (UNICEF, 2005). با این حال، برای معنادار بودن حقوق اقتصادی اجتماعی کودکان، نیاز است که به طور مستقیم به موانع اجتماعی و قانونی که مانع از بهره‌مندی آن‌ها از حقوقشان می‌شود، از جمله سلب حق رأی دموکراتیک و قانونی آن‌ها، قدرت اقتصادی محدود و ظرفیت بسیار محدود آن‌ها برای اعمال نفوذ غیرمستقیم بر آن فرایندهای تصمیم‌گیری قانونی و سیاستی پرداخته شود. کمیته به چالش‌های پیش روی کودکان در تلاش برای اجرای حقوق خود با استفاده از قانون اشاره کرده است (ComRC GC No.16, para 4(c)). پروتکل اختیاری کنوانسیون که برای یک روش رسیدگی به شکایات ارائه شده است، کمیته حقوق کودک را قادر می‌سازد تا بیشتر با این موضوع درگیر شود. کمیته حقوق کودک تصدیق کرده است که کودکان اغلب از نظر سیاسی بی‌صدا هستند و برای تحقق حقوق خود متکی به سیستم‌های حکمرانی هستند که بر آن‌ها تأثیر کمی دارند (ComRC, GC No.16, para 4(b)). کمیته در تفسیر عمومی شماره ۲۰ خود در مورد حقوق کودک در دوران نوجوانی، که در آن «اهمیت مشارکت به عنوان وسیله‌ای برای مشارکت سیاسی و

1. United Nations Children's Fund.

مدنی که از طریق آن نوجوانان می‌توانند برای تحقق حقوق خود مذاکره و طرفداری کنند و دولت‌ها را پاسخگو نگه دارند» تصدیق کرده است، از دولت‌ها خواسته شده است سیاست‌هایی را برای افزایش فرصت‌های مشارکت سیاسی که «در توسعه شهروندی فعال مؤثر است» اتخاذ کنند، اما به‌طور قابل توجهی دولت‌ها را صراحتاً تشویق به کاهش سن رأی‌گیری نکرده است - بلکه بیان کرده است که «اگر دولت‌ها تصمیم بگیرند که سن رأی‌گیری را به زیر ۱۸ سال کاهش دهند، باید در اقداماتی سرمایه‌گذاری کنند که از نوجوانان برای درک، تشخیص و ایفای نقش خود به عنوان شهروندان فعال حمایت کند» (ComRC, GC No.20 para 34). در حالی که داشتن حق رأی قطعاً درمان همه مشکلات فقر نیست، شکی نیست که عدم بهره‌مندی کودکان از آن حق به انزوای سیاسی آن‌ها کمک می‌کند و از این رو آن‌ها را از نظر اجتماعی آسیب‌پذیرتر می‌کند. کمیته حقوق کودک در همان تفسیر عمومی خاطر نشان کرد که «تأثیر فقر پیامدهای عمیقی در دوران کودکی دارد و گاهی منجر به طرد اجتماعی و سیاسی می‌شود» (Nolan,2017,p18).

### ۳. تحلیل حقوق اقتصادی و رفاهی کودکان در نظام حقوقی آمریکا

در نظام حقوقی آمریکا، حقوق اقتصادی کودکان در قوانین مختلف به رسمیت شناخته شده است و توسط محاکم قضایی تا حدودی تضمین شده است.

#### ۱.۳. تحلیل نظام قانونی آمریکا در خصوص حقوق اقتصادی کودکان

در آمریکا، مجموعه‌ای از قوانین فدرال برای حمایت از حقوق اقتصادی و رفاهی کودکان وجود دارد که حوزه‌هایی مانند حمایت اجتماعی، بهداشت، آموزش، تغذیه، حمایت از کودکان بی‌سرپرست و پیشگیری از سوءاستفاده را پوشش می‌دهد. مهم‌ترین این قوانین در ادامه بررسی می‌شود.

### **۱.۱.۳. قانون حمایت از کودک و پیشگیری و درمان کودک آزاری مصوب ۱۹۷۴ (CAPTA): این قانون**

چارچوبی برای تعریف، پیشگیری و درمان کودک آزاری و بی‌توجهی فراهم می‌کند و به ایالت‌ها کمک مالی و راهنمایی ارائه می‌دهد. مصادیق حقوق اقتصادی کودکان در قانون مذکور شامل موارد زیر است: حمایت از کودکان در برابر استثمار اقتصادی و کارهای مضر، ممنوعیت به‌کارگیری کودکان در مشاغل خطرناک، حمایت از کودکان در معرض سوءاستفاده و غفلت اقتصادی، تضمین حق آموزش و رفاه اقتصادی و نظارت و گزارش‌دهی. قانون یاد شده نهادهای مسئول را ملزم به جمع‌آوری داده‌ها، نظارت و گزارش‌دهی درباره وضعیت اقتصادی و رفاهی کودکان می‌کند تا سیاست‌های حمایتی بهبود یابد. با این حال، آمریکا در عمل با چالش‌هایی مانند کار کودکان در کشاورزی، نابرابری‌های نژادی و جنسیتی در بهره‌مندی از حقوق اقتصادی کودکان و ضعف در اجرای استانداردهای بین‌المللی مواجه است. آمریکا تنها عضو سازمان ملل است که کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ را تصویب نکرده و این موضوع بر نحوه حمایت از حقوق اقتصادی کودکان تأثیرگذار بوده است (Stoltzfus, 2009, p102).

### **۲.۱.۳. قوانین مرتبط با تأمین اجتماعی مصوب ۱۹۳۵ (Social Security Act)، عناوین IV-B و IV-E): این**

قوانین شامل حمایت‌های مالی برای کودکان بی‌سرپرست، فرزندخواندگی، سرپرستی بستگان، خدمات مراقبت از فرزندان و برنامه‌های حمایتی برای کودکان در معرض خطر است. مصادیق حقوق اقتصادی کودکان در قوانین مذکور به ویژه در عناوین IV-B و IV-E، عمدتاً شامل حمایت‌های مالی و رفاهی برای کودکان نیازمند و در مراقبت جایگزین است. عنوان کمک به خانواده‌های نیازمند برای تأمین معیشت کودکان (Title IV-B)، به ایالت‌ها کمک مالی می‌کند تا خدمات حمایتی و رفاهی به خانواده‌های کم‌درآمد و در معرض خطر ارائه دهند، از جمله حمایت از کودکان در معرض سوءاستفاده یا غفلت، خدمات مشاوره، مراقبت‌های بهداشتی و آموزش‌های لازم. عنوان حمایت مالی از کودکان در

سیستم مراقبت جایگزین (Title IV-E)، به پرداخت هزینه‌های نگهداری کودکان در خانواده‌های جایگزین (فاستر کر) یا مؤسسات مراقبتی می‌پردازد. این کمک‌ها شامل هزینه‌های روزمره مانند خوراک، مسکن، مراقبت پزشکی، آموزش و خدمات اجتماعی است که برای حفظ رفاه اقتصادی و تأمین نیازهای اساسی کودکان ارائه می‌شود. عنوان برنامه‌های حمایت از فرزندخواندگی و کمک‌های مالی مرتبط (IV-E) حمایت‌هایی برای تسهیل فرزندخواندگی و تأمین مالی خانواده‌های پذیرنده وجود دارد که به کودکان محیطی امن و پایدار اقتصادی فراهم می‌کند. ایالت‌ها موظف‌اند برنامه‌های خود را مطابق با قوانین فدرال اجرا کنند و گزارش‌های دوره‌ای درباره وضعیت رفاهی کودکان ارائه دهند تا اطمینان حاصل شود که حمایت‌های اقتصادی به درستی به کودکان نیازمند اختصاص یافته است. این حمایت‌ها چارچوبی برای تضمین رفاه اقتصادی کودکان آسیب‌پذیر در آمریکا فراهم می‌کنند و هدف آن‌ها کاهش فقر، حمایت از خانواده‌ها و تأمین نیازهای اساسی کودکان در شرایط دشوار است (Douglas, 2000, p52).

**۳.۱.۳. قانون حمایت از فرزندخواندگی و خانواده‌های امن مصوب ۱۹۹۷ (Adoption and Safe Families Act):** هدف این قانون، تسهیل فرزندخواندگی، تضمین رفاه کودکان در نظام مراقبت جایگزین و حمایت از خانواده‌های فرزندخوانده است. مصادیق حقوق اقتصادی کودکان در قانون مذکور عبارت‌اند از: تأمین امنیت اقتصادی و رفاهی کودکان تحت سرپرستی، پرداخت کمک هزینه‌های مراقبتی، حمایت از ثبات و استمرار سرپرستی، ممانعت از بهره‌کشی اقتصادی کودکان، تضمین دسترسی کودکان به خدمات حمایتی، حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست و بدسرپرست. قانون به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا برنامه‌های حمایتی و اقتصادی ویژه‌ای برای کودکان بی‌سرپرست یا در معرض خطر اجرا کنند تا از آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی جلوگیری شود. این مصادیق در چارچوب قانون حمایت از فرزندخواندگی و خانواده‌های امن به منظور تأمین رفاه اقتصادی، حفظ حقوق کودکان و جلوگیری از سوءاستفاده‌های مالی از آن‌ها تدوین شده‌اند و نقش مهمی در بهبود وضعیت اقتصادی کودکان تحت سرپرستی ایفا می‌کنند (Phillips & Mann, 2013, p864).

---

1. Foster Care.

**۴.۱.۳. برنامه بیمه سلامت کودکان (CHIP):** برنامه بیمه سلامت کودکان به عنوان بخشی از قانون بودجه متوازن (Balanced Budget Act) در سال ۱۹۹۷ تصویب شده است. این برنامه بیمه درمانی رایگان یا کم‌هزینه برای کودکان خانواده‌های کم‌درآمد فراهم می‌کند. حقوق اقتصادی کودکان در برنامه بیمه سلامت کودکان آمریکا عبارت‌اند از: دریافت بیمه سلامت رایگان یا کم‌هزینه، کمک هزینه مالی به خانواده‌ها و کمک هزینه کاهش فقر کودکان (Hudak, Shenkin, & Harbaugh, 2014, p42).

**۵.۱.۳. قانون حمایت از کودکان دارای نیازهای ویژه مصوب ۱۹۷۵ (Individuals with Disabilities Education Act - IDEA):** قانون مذکور آموزش رایگان و مناسب برای کودکان دارای معلولیت و حمایت از حقوق آموزشی و رفاهی آن‌ها را تضمین می‌کند. حقوق اقتصادی کودکان طبق قانون مذکور شامل حق آموزش رایگان و مناسب، دسترسی برابر به امکانات آموزشی، تأمین خدمات رفاهی و حمایتی و ممنوعیت تبعیض اقتصادی و آموزشی می‌شود. دولت فدرال بودجه‌ای برای ایالت‌ها تخصیص می‌دهد تا برنامه‌های آموزشی و رفاهی ویژه کودکان معلول را اجرا کنند و از نظر اقتصادی خانواده‌ها را حمایت نماید (EDUCATION, 2003, p14).

**۶.۱.۳. قانون حمایت از تغذیه کودکان مصوب ۱۹۶۶ (Child Nutrition Act):** قانون مذکور تأمین وعده‌های غذایی سالم و رایگان یا کم‌هزینه در مدارس برای کودکان نیازمند را پیش‌بینی کرده است. دسترسی به وعده‌های غذایی سالم و رایگان یا کم‌هزینه در مدارس، برنامه‌های تغذیه‌ای ویژه برای کودکان نیازمند، حمایت مالی از خانواده‌ها برای تأمین غذای کودکان و تضمین عدالت و دسترسی برابر از مهمترین حقوق اقتصادی کودکان طبق قانون فوق است (Stitzel, 2004, p10).

**۷.۱.۳. قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و برنامه‌های مستقل شدن مصوب ۱۹۹۹ (Foster Care Independence Act):** این قانون حمایت از کودکان در مراقبت جایگزین را به منظور انتقال به زندگی مستقل، کسب اشتغال و بهداشت به عهده دارد. مصادیق حقوق اقتصادی کودکان آمریکا در قانون مذکور عبارت‌اند از: حمایت مالی برای تأمین نیازهای اساسی، برنامه‌های توانمندسازی و آموزش مهارت‌های زندگی، حمایت از نوجوانان در انتقال به استقلال، تسهیل دسترسی به آموزش و اشتغال و پشتیبانی از خانواده‌های پذیرنده. قانون سازوکارهایی برای نظارت بر تخصیص و استفاده از

منابع مالی و خدمات حمایتی به کودکان بی سرپرست و مستقل شونده پیش‌بینی کرده است (Allen & Nixon, 2000, p34).

**۸.۱.۳. قوانین حمایت از حریم خصوصی و امنیت کودکان (مانند COPPA<sup>۱</sup> و CIPA<sup>۲</sup>):** این قوانین بر حفاظت از حریم خصوصی کودکان در اینترنت و محدود کردن دسترسی به محتوای نامناسب تأکید دارند. مصادیق حقوق اقتصادی کودکان آمریکا در قوانین حمایت از حریم خصوصی و امنیت کودکان، به ویژه در دو قانون مهم خلاصه می‌شود. قانون حفاظت از حریم خصوصی کودکان در فضای اینترنت (COPPA) که در سال ۲۰۰۰ به اجرا درآمد، اپراتورهای وبسایت‌ها و خدمات آنلاین را ملزم می‌کند هنگام جمع‌آوری اطلاعات شخصی از کودکان زیر ۱۳ سال، رضایت والدین را کسب کنند و سیاست‌های حریم خصوصی شفاف‌تری داشته باشند. هدف اصلی قانون فوق، جلوگیری از سوءاستفاده اقتصادی و حفظ امنیت اطلاعات کودکان در فضای مجازی است. قانون حفاظت از اینترنت کودکان (CIPA) مدارس و کتابخانه‌هایی را که از برنامه‌های تخفیف اینترنت (E-rate) بهره‌مند می‌شوند، ملزم به اجرای سیاست‌های ایمنی اینترنت می‌کند. این سیاست‌ها شامل فیلتر کردن محتوای نامناسب، نظارت بر فعالیت‌های آنلاین کودکان زیر ۱۶ سال، جلوگیری از افشای غیرمجاز اطلاعات شخصی و آموزش کودکان درباره رفتار ایمن در فضای مجازی است. این قوانین، با ایجاد محدودیت‌ها و الزاماتی برای محافظت از کودکان در فضای دیجیتال، از حقوق اقتصادی کودکان حمایت می‌کنند تا از بهره‌کشی اقتصادی، سوءاستفاده اطلاعاتی و آسیب‌های ناشی از دسترسی به محتوای مضر جلوگیری شود (Reyes, Wijesekera, Reardon, Elazari, Razaghpahan, Vallina & Egelman, 2018, p22).

**۹.۱.۳. قوانین مربوط به حداقل سن کار و منع کار کودک:** در قوانین مذکور حداقل سن اشتغال تعیین شده و از کارهای خطرناک منع شده است و عدم تداخل کار با آموزش کودکان تضمین شده است. بر اساس قانون استانداردهای کار منصفانه فدرال مصوب ۱۹۳۸ (Fair Labor Standards Act)، حداقل سن مجاز برای شروع به کار در آمریکا معمولاً ۱۴ تا ۱۵ سال است، البته این سن در برخی ایالت‌ها و

1. Children's Online Privacy Protection Act(1998).

2. Children's Internet Protection Act(2000).

مشاغل خاص متفاوت است؛ به طور مثال در برخی ایالت‌ها حداقل سن ۱۸ سال تعیین شده است. استثناهایی برای کار کودکان در بخش کشاورزی وجود دارد که ممکن است سن پایین‌تری را مجاز بداند. در اکثر ایالت‌ها به‌کارگیری افراد زیر ۱۴ سال به‌طور کلی ممنوع است و کارفرمایان متخلف مشمول مجازات می‌شوند. نوجوانان ۱۴ تا ۱۸ سال می‌توانند در مشاغل سبک و غیرمضر مشغول به کار شوند و ساعات کاری آن‌ها محدود است تا به تحصیل و سلامت آنان آسیبی نرسد. کودکان و نوجوانان شاغل مشمول دریافت حداقل دستمزد تعیین شده توسط قانون هستند که معمولاً حدود ۱۳ دلار در ساعت است اما بسته به ایالت متفاوت است. برای اشتغال قانونی، داشتن شماره تأمین اجتماعی ضروری است (Edmonds & Shrestha, 2012, p5).

**۱۰.۱.۳. قانون حمایت از پرداخت نفقه کودک مصوب ۱۹۷۵ (Child Support Enforcement Act):** مطابق قانون مذکور والدین غیرحاضن ملزم به پرداخت نفقه برای حمایت مالی از کودکان هستند. تعیین و الزام والدین به پرداخت نفقه، شناسایی و پیگیری والد غایب و دریافت کمک هزینه‌های پزشکی و بیمه درمانی از مصادیق حقوق اقتصادی کودکان طبق قانون مذکور هستند. طبق قانون مذکور هزینه‌های پزشکی و بیمه درمانی کودک نیز به عنوان بخشی از نفقه از والد غایب دریافت می‌شود. در ایالت‌هایی مانند اوهایو، نفقه کودک بر اساس فرمولی که درآمد والدین، تعداد فرزندان، هزینه‌های مراقبت و درمان و سایر نیازهای ویژه را در نظر می‌گیرد، تعیین می‌شود. بر اساس قانون فوق، در صورت وجود هزینه‌های غیرمعمول یا نیازهای خاص کودک، والدین می‌توانند از دادگاه درخواست تغییر مبلغ نفقه را داشته باشند. این قوانین در کنار برنامه‌های مالیاتی (مانند اعتبار مالیاتی فرزندخواندگی)، حمایت‌های مستقیم مالی، خدمات اجتماعی و بهداشتی، شبکه‌ای گسترده برای حمایت از رفاه و حقوق اقتصادی کودکان در آمریکا ایجاد کرده‌اند (Solomon-Fears, 2016, p39).

### **۲.۳. تحلیل نظام قضایی آمریکا در خصوص حقوق اقتصادی کودکان**

در دادگاه‌های آمریکا، پرونده‌های متعددی درباره حقوق اقتصادی و رفاهی کودکان مطرح شده که برخی از آن‌ها تأثیرگذار و تعیین‌کننده بوده‌اند. در پرونده ناحیه آموزشی مستقل سن آنتونیو علیه رودریگز والدین دانش‌آموزان مناطق فقیرنشین تگزاس علیه نظام تأمین مالی مدارس که مبتنی بر



مالیات املاک محلی بود، شکایت کردند و مدعی شدند این نظام باعث تبعیض و نابرابری در کیفیت آموزش کودکان مناطق کم‌درآمد می‌شود. دیوان عالی آمریکا حکم داد که آموزش یک «حق بنیادین» طبق قانون اساسی نیست و تفاوت در تأمین مالی مدارس، نقض اصل برابری محسوب نمی‌شود (San Antonio Independent School District v. Rodriguez, 1973). در پرونده کادرماس علیه مدارس دولتی دیکینسون خانواده‌ای فقیر از داکوتای شمالی به دلیل دریافت هزینه سرویس مدرسه برای فرزندشان شکایت کردند و آن را مغایر با اصل برابری دانستند. دیوان عالی اعلام کرد قانون اساسی دولت‌ها را ملزم به ارائه رایگان سرویس مدرسه نمی‌کند و آموزش، حق بنیادین تلقی نمی‌شود (Kadrmas v. Dickinson Public Schools, 1988). مطابق رأی دیوان عالی در پرونده‌ای با موضوع سقف کمک‌های نقدی به خانواده‌های نیازمند (Aid to Families With Dependent Children)، الزامی وجود ندارد که کمک‌ها معادل نیاز کامل خانواده باشد و دولت‌ها می‌توانند سقف معینی برای این کمک‌ها تعیین کنند. در پرونده دی‌شینی علیه وینباگو پس از بی‌توجهی اداره خدمات اجتماعی به گزارش‌های کودک‌آزاری، کودک دچار آسیب دائمی شد (Handler, 1987, p457). دیوان عالی آمریکا حکم داد که دولت تنها زمانی مسئول است که کودک را از والدین سلب حضانت کند و صرف بی‌توجهی به گزارش‌های کودک‌آزاری، نقض حقوق اساسی کودک محسوب نمی‌شود (DeShaney v. Winnebago, 1989). در پرونده پرونده اداره خدمات اجتماعی شهر بالتیمور علیه بوکنایت دادگاه حکم داد که والدین نمی‌توانند با استناد به حق عدم خودمجرمانگاری (Fifth Amendment) از ارائه فرزندشان به نهادهای حمایتی در صورت صدور دستور دادگاه خودداری کنند و تمرکز باید بر رفاه کودک باشد (Baltimore City Department of Social Services v. Bouknight, 1990). دادگاه‌ها در موارد متعدد بر این اصل تأکید کرده‌اند که دولت می‌تواند برای حمایت از رفاه کودکان، از جمله کودکان دارای معلولیت، آزادی والدین را محدود کند و آموزش و حمایت ویژه را الزامی سازد. در پرونده شرکت بهداشت و بیمارستان علیه تالوسکی دیوان عالی آمریکا تأیید کرد که کودکان و خانواده‌ها می‌توانند در صورت نقض حقوق خود تحت قوانین رفاهی فدرال،

علیه دولت ایالتی اقامه دعوا کنند و از طریق قانون ۱۹۸۳ حقوق خود را مطالبه نمایند (Health and Hospital Corporation v. Talevski, 2023). این پرونده‌ها نشان می‌دهند که اگرچه حقوق اقتصادی و رفاهی کودکان در برخی حوزه‌ها قابل پیگیری قضایی است، اما دیوان عالی آمریکا آموزش را «حق بنیادین» ندانسته و حمایت‌های رفاهی نیز معمولاً در چارچوب قوانین فدرال و ایالتی و با محدودیت‌هایی قابل مطالبه است.

### **نتیجه‌گیری و پیشنهاد**

مطالعه تطبیقی حقوق اقتصادی کودکان در نظام‌های حقوقی ایران، آمریکا و اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که هر سه نظام بر اهمیت حمایت از کودکان در زمینه‌های اقتصادی و رفاهی تأکید دارند، اما از نظر ساختار قانونی، دامنه حمایت‌ها و میزان اجرایی شدن، تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد. هر دو کشور ایران و آمریکا بهره‌کشی اقتصادی از کودکان را جرم می‌دانند و قوانینی برای حمایت مالی (نفقه) و بهداشتی دارند. نظام حقوقی ایران با وجود پیشرفت‌های قانونی در زمینه ممنوعیت کار کودک، تأمین نفقه و بیمه سلامت، هنوز با چالش‌هایی مانند ضعف در اجرای قوانین، نابرابری‌های منطقه‌ای و محدودیت‌های حمایتی مواجه است. در مقابل، نظام حقوقی آمریکا با مجموعه‌ای گسترده از قوانین فدرال و برنامه‌های حمایتی، حمایت‌های جامع‌تر و هدفمندتری را برای کودکان فراهم می‌کند. نظام حقوقی این کشور در اجرای قوانین مانند وصول نفقه و حمایت از کودکان در مراقبت جایگزین، پیشرفته‌تر است. نظام حقوقی ایران بر مسئولیت خانواده (به ویژه پدر) در تأمین مالی تأکید دارد، در حالی که آمریکا با سیستم‌های دولتی مانند CHIP نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کند. نظام حقوقی کشور مذکور به حقوق کودکان در فضای مجازی توجه ویژه دارد، لیکن ایران هنوز قوانین جامعی در این زمینه ندارد.

برای تقویت حقوق اقتصادی کودکان در ایران، می‌توان مجموعه‌ای از راهکارهای حقوقی، آموزشی و حمایتی را پیشنهاد داد که هم ساختار قانونی را بهبود ببخشد و هم مهارت‌های اقتصادی کودکان را از سنین پایین ارتقاء دهد. اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک که چارچوبی جهانی و استاندارد برای حمایت از حقوق اقتصادی کودکان ارائه داده‌اند می‌تواند راهنمای اصلاح و توسعه

قوانین داخلی باشد. ارتقاء حقوق اقتصادی کودکان در حقوق ملی مستلزم تقویت قوانین داخلی بویژه قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و ایجاد ضمانت‌های اجرایی قوی‌تر، بهبود نظام‌های نظارتی و شرایط اقتصادی، آموزش مهارت‌های مالی و اقتصادی به کودکان، حمایت‌های رفاهی هدفمند و توانمندسازی خانواده‌ها، گسترش بیمه و حمایت‌های اجتماعی، ایجاد فرصت‌های شغلی برای نوجوانان با رعایت استانداردهای بین‌المللی، افزایش همکاری بین‌المللی و توجه ویژه به شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه کودکان است تا بتوانند از حقوق خود به‌صورت کامل بهره‌مند شوند و زمینه رشد و توسعه متوازن آن‌ها فراهم گردد. در پایان به منظور تقویت نظام قانونی ایران، پیشنهاد می‌شود ماده زیر به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان الحاق گردد:

«هر فرد یا نهادی که با سوء نیت و یا به طور عمدی و برخلاف مصلحت کودک با اقداماتی نظیر انعقاد قرارداد و یا تنفیذ آن، سوء استفاده از داده‌های اقتصادی کودک در فضای مجازی، ممانعت از حق، کار اجباری و یا پنهانی کودک، اجاره کودک، اخراج کودک از منزل، گرسنگی دادن و تصرف در اموال مادی و معنوی کودک، حقوق اقتصادی و رفاهی کودکان را تضییع، استثمار و بهره‌کشی نماید، به یک یا چند مورد از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. در خصوص کودکان معلول، بدسرپرست، بی‌سرپرست و مهاجر شخص خاطی به اشد مجازات مذکور محکوم می‌شود. چنانچه کودک بخاطر اقدامات فوق متحمل ضرر و زیان مادی و معنوی شده باشد، میتواند جبران خسارات وارده را نیز مطالبه نماید.»

#### منابع

۱. امامی، سیدحسین (۱۳۹۹). حقوق مدنی، ج ۲، تهران: انتشارات اسلامی.
۲. پورمحمدگلزاری نویر، مزده، ارفع نیا، بهشید، افشاری، تقی زاده انصاری (۲۰۲۳). چالش‌های دولت ایران در برابر حقوق کودکان کار با توجه به حقوق بین‌الملل. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۶(۵۹)، صص ۲۴۷-۲۷۵.
۳. توسلی‌نائینی، بهزادفر، غزاله (۲۰۲۰). حق تغذیه از دیدگاه اسناد حقوق بین‌الملل با تاکید بر حق تغذیه کودکان. فصلنامه حقوق کودک، ۵(۲)، صص ۱۰۴-۱۲۸.
۴. حمدالهی، عاصف، پورسید، بهزاد (۱۳۸۸). احکام وضعی طفل متولد از رحم جایگزین در رابطه با توارث و نفق، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۱۰(۲)، صص ۱۸۹-۲۴۳.

۵. شعبان، مریم (۱۴۰۰). تحلیل ساختار حقوق کودک در ایران: بررسی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک بر مبنای پیمان نامه جهانی حقوق کودک، فصلنامه تمدن حقوقی، ۴(۹)، صص ۱۳۹-۱۶۸.
۶. طوسیان، پورقصاب امیری، جهانگیری (۲۰۲۱). مبارزه با فقر کودکان و حمایت های اقتصادی از آنان در فقه و کنوانسیون حقوق کودک. فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، ۳(۲)، صص ۲۱۹-۲۳۴.
۷. فیروزپور، کوثر (۲۰۲۱). دستاوردهای حقوق بین الملل در تحقق حق بر سلامت کودکان ناتوان. پژوهشهای حقوقی، ۲۰(۴۶)، صص ۳۲۵-۳۴۶.
۸. فیروزگاه، زری (۲۰۲۳). حق نفقه کودک در فقه با تاکید بر مسائل کیفری. فقه جزای تطبیقی، ۱۰(۳)، صص ۱۳۰-۱۴۰.
۹. عباسی کلیمانی، عاطفه، عباسیان ارانی، فاطمه، شهبازی، محمدحسین (۱۴۰۲). کار کودک در نظام حقوق خانواده ایران از منظر ایجابی و سلبی. فقه و حقوق خانواده، ۲۸(۷۹)، صص ۸۳-۱۰۸.
۱۰. محمدی، مهدی، میرابی، سیده پریسا (۱۴۰۰). نقش حقوق اقتصادی در حمایت از حقوق کار کودکان، فصلنامه حقوق کودک، ۳(۱۱)، صص ۱۳-۲۶.
۱۱. هاشمی، سیدمحمد، همتی (۲۰۱۱). حقوق اقتصادی و اجتماعی (حقوق رفاهی) کودکان: تحلیل مبانی نظری و موازین بین المللی. تحقیقات حقوقی، ۶(۱۴)، صص ۲۵۳-۲۸۰.
12. Allen, M., & Nixon, R. (2000). Foster Care Independence Act and John H. Chafee Foster Care Independence Program: New catalysts for reform for young people aging out of foster care. *Clearinghouse Rev.*, 34, 197.
13. Assembly, U. G. (1989). Convention on the Rights of the Child. United nations, treaty series, 1577(3), 1-23.
14. Baltimore City Department of Social Services v. Bouknight, 493 U.S. 549 (1990)
15. Committee on Child Health Financing, Racine, A. D., Long, T. F., Helm, M. E., Hudak, M., Shenkin, B. N., ... & Harbaugh Jr, N. C. (2014). Children's Health Insurance Program (CHIP): accomplishments, challenges, and policy recommendations. *Pediatrics*, 133(3), e784-e793.
16. ComRC Day of General Discussion on resources, para. 40.48.49
17. ComRC General Comment No.15, para. 73
18. ComRC General Comment No.4, para. 3
19. ComRC, GC No.16, para 8.
20. ComRC, GC No. ۲۰ para ۳۴.
21. ComRC, GC No.5, para4, 64,43,56
22. DeShaney v. Winnebago, 489 U.S. 189 (1989)

23. Douglas, P. H. (2000). *Social Security in the United States: An analysis and appraisal of the federal Social Security Act*. Beard Books.
24. Edmonds, E. V., & Shrestha, M. (2012). The impact of minimum age of employment regulation on child labor and schooling. *IZA Journal of Labor Policy*, 1, 1-28.
25. EDUCATION, U. D. R. O. (2003). *Individuals with Disabilities Education Act (IDEA)*. Washington DC: US Government, Department of Education.
26. Handler, J. F. (1987). The Transformation of Aid to Families with Dependent Children: The Family Support Act in Historical Context. *NYU Rev. L. & Soc. Change*, 16, 457.
27. *Health and Hospital Corporation v. Talevski*, 143 S.Ct. 1444 (2023)
28. *Kadrmas v. Dickinson Public Schools*, 487 U.S. 450 (1988)
29. Nolan, A. (2017). Children's economic and social rights. *International Law on the Rights*
30. *of the Child* (Springer, forthcoming) p1-20
31. Phillips, C. M., & Mann, A. (2013). Historical analysis of the Adoption and Safe Families Act of 1997. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 23(7), 862-868.
32. Reyes, I., Wijesekera, P., Reardon, J., Elazari Bar On, A., Razaghpanah, A., Vallina-Rodriguez, N., & Egelman, S. (2018, July). "Won't somebody think of the children?" examining COPPA compliance at scale. In *The 18th Privacy Enhancing Technologies Symposium (PETS 2018)*.
33. *San Antonio Independent School District v. Rodriguez*, 411 U.S. 1 (1973)
34. Solomon-Fears, C. (2016). The child support enforcement program: A legislative history. *Congressional Research Service*, 39.
35. Stitzel, K. F. (2004). Child nutrition programs legislation: Past and present. *Topics in Clinical Nutrition*, 19(1), 9-19.
36. Stoltzfus, E. (2009). *The Child Abuse Prevention and Treatment Act (CAPTA): Background, Programs, and Funding*. Congressional Research Service.
37. UN Economic and Social Council Resolution 1985/17, 28 May 1985.
38. UNICEF. (Ed.). (2005). *The state of the world's children 2006: excluded and invisible*. Unicef.